

[**فصل فیما یستقبل له** 2](#_Toc504834260)

[***شرطیّت استقبال قبله در قضای نماز های یومیه*** 2](#_Toc504834261)

[**استدلال به اقض ما فات کما فاته** 2](#_Toc504834262)

[**مناقشه** 2](#_Toc504834263)

[**اطلاق «لا صلاة إلا إلی القبلة»** 4](#_Toc504834264)

[**استدلال به حدیث لاتعاد** 4](#_Toc504834265)

[**مناقشه** 4](#_Toc504834266)

[***شرطیّت استقبال قبله در نماز احتیاط*** 4](#_Toc504834267)

[***شرطیّت استقبال قبله در قضای جزء منسی*** 5](#_Toc504834268)

[***شرطیّت استقبال قبله در سجده سهو*** 6](#_Toc504834269)

[**ظهور أمر به شیء در ضمن مرکب** 6](#_Toc504834270)

[**مناقشه** 6](#_Toc504834271)

[**دلالت روایت سهو النبی بر شرطیّت استقبال در سجده سهو** 7](#_Toc504834272)

[**مناقشه دلالی** 7](#_Toc504834273)

[**بررسی سندی** 8](#_Toc504834274)

[***وجه أول و دوم در توثیق حسین بن علوان*** 8](#_Toc504834275)

[**مناقشه** 8](#_Toc504834276)

[***وجه سوم در توثیق حسین بن علوان*** 9](#_Toc504834277)

[***شرطیّت استقبال قبله در نمازهای مستحبّ بالعرض*** 10](#_Toc504834278)

[***شرطیّت استقبال قبله در نماز آیات*** 10](#_Toc504834279)

[***شرطیّت استقبال قبله در نماز اموات*** 10](#_Toc504834280)

**موضوع**: بررسی شرطیّت استقبال قبله در غیر نماز های یومیه /فصل فیما یستقبل له /کتاب الصلاة

**خلاصه مباحث گذشته:**

متن خلاصه ...

**فصل فیما یستقبل له**

يجب الاستقبال في مواضع‌ أحدها الصلوات اليومية‌ أداء و قضاء و توابعها من صلاة الاحتياط للشكوك و قضاء الأجزاء المنسية بل و سجدتي السهو و كذا فيما لو صارت مستحبة بالعارض كالمعادة جماعة أو احتياطا و كذا في سائر الصلوات الواجبة كالآيات بل و كذا في صلاة الأموات و يشترط في صلاة النافلة في حال الاستقرار لا في حال المشي أو الركوب و لا يجب فيها الاستقرار و الاستقبال و إن صارت واجبة بالعرض بنذر و نحوه‌

بحث در این مطلب بود که استقبال قبله در چه چیزهایی شرط است؟ أولین مورد، فرائض یومیه أدائیه بود که قدر مسلّم از شرطیّت استقبال قبله همین مورد است.

***شرطیّت استقبال قبله در قضای نماز های یومیه***

و قضای صلوات یومیه باید به طرف قبله باشد و بر این مطلب به روایاتی استدلال شده است که مفاد آن «اقض ما فات کما فات» است.

**استدلال به اقض ما فات کما فاته**

**مرحوم خویی بر این روایات استدلال کرده اند که:** قضا باید شبیه أداء باشد.

**مناقشه**

ولی به نظر ما این استدلال تمام نیست زیرا روایت «اقض ما فات کما فات» در مورد سفر و حضر است؛

**صحیحه زراره**؛ مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَارَةَ قَالَ: قُلْتُ لَهُ رَجُلٌ فَاتَتْهُ صَلَاةٌ مِنْ صَلَاةِ السَّفَرِ- فَذَكَرَهَا فِي الْحَضَرِ- قَالَ يَقْضِي مَا فَاتَهُ كَمَا فَاتَهُ- إِنْ كَانَتْ صَلَاةَ السَّفَرِ أَدَّاهَا فِي الْحَضَرِ مِثْلَهَا- وَ إِنْ كَانَتْ صَلَاةَ الْحَضَرِ- فَلْيَقْضِ فِي السَّفَرِ صَلَاةَ الْحَضَرِ كَمَا فَاتَتْهُ[[1]](#footnote-1)

و عمومی نداریم که بگوید «اقض ما فات کما فات»: مثلاً اگر کسی در حال بیماری که باید نشسته نماز می خواند، نمازش قضا شد، نمی تواند بعد از بهبودی نشسته نماز را قضا کند. و یا مردی که قضای نماز زنی را می خواند نمی تواند حمد و سوره صبح را در نماز آهسته بخواند.

ما همچون اطلاقی نداریم ولی حتّی در شرائط روزه قضا گفته اند أصل اولی این است که هر چه در روزه أداء، شرط است در روزه قضا هم شرط است مثل عدم تعمّد بقای بر جنابت. بله در صوم قضا فی الجمله نص خاص داریم که در روزه قضا هم نباید تعمّد بقای بر جنابت باشد ولی در بعض خصوصیات و شرائط دلیل نداریم که نمی دانیم آیا این خصوصیات در مورد قضا هم وجود دارد یا نه؛ مثلاً در روزه ماه رمضان داریم که: «مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ رِئَابٍ عَنْ‌ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مَيْمُونٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنِ الرَّجُلِ يُجْنِبُ بِاللَّيْلِ- فِي شَهْرِ رَمَضَانَ ثُمَّ يَنْسَى أَنْ يَغْتَسِلَ- حَتَّى يَمْضِيَ لِذَلِكَ جُمْعَةٌ أَوْ يَخْرُجَ شَهْرُ رَمَضَانَ- قَالَ عَلَيْهِ قَضَاءُ الصَّلَاةِ وَ الصَّوْمِ[[2]](#footnote-2)»: اگر کسی غسل جنابت را فراموش کند تا یک جمعه یعنی یک هفته بگذرد یا ماه رمضان بگذرد باید روزه را قضا کند. این مطلب در مورد صوم أداء است و در مورد صوم قضا چنین روایتی نیامده است.

(**نکته: در مورد این روایت اختلاف است؛** برخی مثل آقای زنجانی، بر مفاد نص تعبّد کرده اند و گفته اند اگر یک روز یا دو روز بگذرد و متوجّه شود اشکالی ندارد و برخی مثل آقای سیستانی الغای خصوصیت کرده اند و گفته اند اگر شب غسل جنابت را فراموش کرد و دو دقیقه بعد از اذان صبح متوجّه شود باز روزه اش باطل است. ولی مشهور حدّ وسط را گرفته اند و گفته اند اگر شب بشود و متوجّه بشود که غسل جنابت را قبل از اذان امروز فراموش کرده بود روزه آن روز را باید قضا کند.)

**خلاصه بحث در این است که**:

**ظاهر کلام برخی مثل مرحوم خویی این است که**: قضا تابع أداء است و ظاهر یقضی کما فات یعنی با همان شرائط که در أداء معتبر است قضا انجام شود.

**ولی به نظر ما این مطلب خیلی واضح نیست که**: شرائط قضا همان شرائط أداء باشد. بله «یقضی ما فات کما فات» این مقدار را به استظهار عرفی می رساند که کیفیّت قضا عرفاً همان کیفیّت أداء باشد و اگر چیزی عرفاً دخیل در کیفیّت فعل باشد مثل نماز نحو القبله که کیفیّت صلاة است و با شرائط خارجی فرق می کند.

منتها «یقضی ما فات کما فات» انصراف به کیفیّت های اختیاری دارد یعنی همان کیفیّت هایی که در حال اختیار در أداء شرط است، در قضا هم معتبر است و نیاز نداریم بگویند «اقض ما فات کما فات» بلکه همین که بگویند «یقضی ما فاته» این مطلب را می رساند که کیفیّت قضا شبیه کیفیّت أداء باشد و ظاهر قضا این است که شبیه همان فعلی که در داخل وقت انجام می دادی را باید خارج وقت، انجام دهی و هیچ اختلافی بین فعل داخل وقت و خارج وقت نیست مگر این که قضا خارج است و لذا اگر در نماز أداء قبله شرط باشد داخل در کیفیّت نماز است و در قضا هم باید رعایت شود.

**مهم کیفیّت اختیاری نماز است**؛ برخی شرائط مربوط به خود مصلی است و ربطی به شرائط نماز ندارد مثل این که مرد، نماز زن را قضا می کند که بلند خواندن برخی نماز ها شرائط و کیفیّت مصلی است و کیفیّت نماز نیست. و نیز، نشسته نماز خواندن هم کیفیّت اضطراری است و در قضا حفظ نمی شود.

لذا ما برای اثبات شرطیّت استقبال قبله در قضای نماز های یومیه، می توانیم به اطلاق عرفی «یقضی ما فاته» تمسّک کنیم.

**اطلاق «لا صلاة إلا إلی القبلة»**

نیز به اطلاق «لا صلاة إلّا إلی القبله» می توانیم تمسّک کنیم، زیرا شامل قضا هم می شود. و مهم همین دلیل دوم است و چه قضا به أمر جدید باشد و چه به أمر أول باشد «لا صلاة إلّا إلی القبله» شامل نماز قضا می شود.

**استدلال به حدیث لاتعاد**

**این که برخی به حدیث لاتعاد تمسّک کرده اند که**: یکی از مستثنیات، قبله است و لذا قبله شرط نماز است و روایت هم اطلاق دارد و شامل نماز قضا می شود؛

**مناقشه**

**این استدلال صحیح نیست:** زیرا حدیث لاتعاد در مقام بیان شرائط نماز نیست بلکه مفروغ عنه گرفته است که یک چیز هایی اجزاء و شرائط نماز اند و این شرائط نماز دو قسم است فریضه و سنّت و این پنج مورد که قبله از آن ها است جزء فرائض اند و سنّت غیر از این پنج مورد است ولی لاتعاد نمی گوید این پنج مورد همه جا شرط اند بلکه می گوید هر کجا مثلاً قبله شرط است شرط رکنی است ولی کجا شرط است و کجا شرط نیست را بیان نمی کند.

***شرطیّت استقبال قبله در نماز احتیاط***

**صاحب عروه فرمود**: استقبال قبله در نماز احتیاط نیز شرط است.

**و این مطلب صحیح است** و فرقی نمی کند که قائل شویم نماز احتیاط جزء نماز أصلی است که ظاهر روایات است (مثل قضای سجده منسیّه که جزء نماز أصلی است) و یا قائل شویم که نماز مستقلی است که نماز أصلی را جبران می کند به هر حال نماز احتیاط، عرفاً صلاة است که می خواهیم با آن، نماز أصلی را جبران کنیم لذا ظاهر آن این است که کیفیّت آن شبیه کیفیّت نماز أصلی باشد.

در صحیحه حلبی چنین می گوید: مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أَنَّهُ قَالَ: إِذَا لَمْ تَدْرِ اثْنَتَيْنِ صَلَّيْتَ أَمْ أَرْبَعاً- وَ لَمْ يَذْهَبْ وَهْمُكَ إِلَى شَيْ‌ءٍ- فَتَشَهَّدْ وَ سَلِّمْ ثُمَّ صَلِّ رَكْعَتَيْنِ وَ أَرْبَعَ سَجَدَاتٍ- تَقْرَأُ فِيهِمَا بِأُمِّ الْكِتَابِ ثُمَّ تَشَهَّدُ وَ تُسَلِّمُ- فَإِنْ كُنْتَ إِنَّمَا صَلَّيْتَ رَكْعَتَيْنِ- كَانَتَا هَاتَانِ تَمَامَ الْأَرْبَعِ- وَ إِنْ كُنْتَ صَلَّيْتَ أَرْبَعاً كَانَتَا هَاتَانِ نَافِلَةً[[3]](#footnote-3)

ظاهر روایت این است که اگر در واقع نماز را دو رکعتی خوانده باشی این دو رکعت احتیاط جزء نماز أصلی است. ولی اگر هم بگوییم که نماز احتیاط، نماز مستقل است و ملاک و حکمت آن تدارک نقص محتمل در نماز أصلی است باز ظاهر آن این است که نماز احتیاط جبران کننده نماز أصلی است؛ مگر این که دلیل خاص داشته باشیم مثل این که دلیل خاص داریم شک بین دو و سه یا شک بین سه و چهار که محل بحث است انسان مخیّر است که دو رکعت نشسته نماز احتیاط بخواند که با این که نماز أصلی ایستاده بود ولی نماز احتیاط نشسته می شود، ولی اینجا نص خاص داریم و اگر نص خاص نداشتیم ظاهر أولی این است که کیفیّت قضا و أداء متّحد است.

**این که مرحوم خویی فرموده اند**: مفهوم احتیاط نیز همین است که برای این که نماز أصلی جبران شود نماز احتیاط را بخوان و لذا باید شرائط نماز أصلی را در نماز احتیاط مراعات کنیم.

**این استدلال صحیح نیست** زیرا؛ در مورد نماز احتیاط روایتی پیدا نکردیم که تعبیر به صلاة احتیاط و لفظ احتیاط کند و اصطلاحی در کلام فقهاء است. بله لفظ احتیاط در مورد نماز ذکر شده است ولی در مورد زن حائض نسبت به أیام استظهار تعبیر شده که احتیاطاً بنای بر حیض می گذارد و نماز را ترک می کند.

***شرطیّت استقبال قبله در قضای جزء منسی***

صاحب عروه فرموده است: استقبال قبله درجزء منسی مثل سجده منسی و و تشهّد منسی نیز شرط است.

در سجده منسی یا در تشهید منسی (بنا بر قول مشهور که قائل اند قضای تشهّد منسیّ واجب است) وجه شرطیّت استقبال قبله روشن است زیرا عرفاً همان محل سجده منسی عوض شده است و عرفاً همان سجده نماز است و هنوز هم داخل نماز است. «من نسی سجده یقضی ما فاته» ظاهر این روایت این است که محل ذکری جزء در رکعت أول بود و محل آن در فرض نسیان بعد از نماز می شود و این مطلب ظاهر أدله است و لذا اگر کسی عمداً بین نماز و سجده منسی منافی مرتکب شود نمازش باطل می شود. وقتی جزء نماز بود «لا صلاة إلا إلی القبله» بر آن صادق است.

***شرطیّت استقبال قبله در سجده سهو***

أما راجع به استقبال قبله در سجده سهو: دراینجا صاحب عروه ظاهراً فتوا می دهد ولی در محل خودش احتیاط می کند؛ «و إن كان في وجوب ما عدا ما يتوقف عليه اسم السجود و تعدده نظر‌[[4]](#footnote-4)»

به نظر ما احتیاط در استقبال قبله در سجده سهو احتیاط مستحب است زیرا سجده سهو جزء نماز نیست و خود صاحب عروه فرمود اگر سجده سهو عمداً ترک شودف نماز باطل نمی شود و سجده سهو یک واجب مستقلی است.

**ظهور أمر به شیء در ضمن مرکب**

صاحب منتقی الأصول فرموده اند: ظاهر أمر به شیء در ضمن مرکب، جزئیت است «یصلی ثم یسجد سجدتی السهو» و لذا سجده سهو هم جزء نماز است.

**مناقشه**

می گوییم: بر فرض این کبری را قبول کنیم قرینه بر خلاف داریم زیرا در روایت چنین می گوید: وَ عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ ابْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ زُرَارَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ ع يَقُولُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِذَا شَكَّ أَحَدُكُمْ فِي صَلَاتِهِ- فَلَمْ يَدْرِ زَادَ أَمْ نَقَصَ فَلْيَسْجُدْ سَجْدَتَيْنِ وَ هُوَ جَالِسٌ- وَ سَمَّاهُمَا رَسُولُ اللَّهِ ص الْمُرْغِمَتَيْنِ.[[5]](#footnote-5) پیامبر صلی الله علیه و آله نام دو سجده سهو را مرغمتین گذاشت لإرغام أنف الشیطان بهما زیرا و ما أنسانیه إلّا الشیطان، السهو من الشیطان و شیطان می خواهد ما از یاد خدا غافل شویم: إنما یرید الشیطان لیصدّکم عن ذکر الله. و لذا ما بعد از نماز به لج شیطان رجیم و اتباع آن که می خواهد ما را از اطاعت و یاد خدا باز دارد دو سجده به جای می آوریم. (خدا محقق اصفهانی را رحمت کند! آقا زاده ایشان نقل می کرد که وقتی محقق اصفهانی به حرم می رفت یکبار عتبه را می بوسید باز دومرتبه عتبه را می بوسید و می گفت این بار دوم هم به لج شریعت سنگلجی که آخوندی روشنفکر بود و حرف های عجیب می زد.)

با این مناسبی که ذکر شد دیگر سجده سهو ظهوری در ارشاد به جزئیت ندارد. و وقتی سجده سهو جزء نماز نبود دلیلی بر شرطیّت استقبال قبله نخواهیم داشت زیرا لا سجدتی السهو إلا إلی القبله نداریم.

**دلالت روایت سهو النبی بر شرطیّت استقبال در سجده سهو**

بله روایتی داریم: مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ سَعْدٍ عَنْ أَبِي الْجَوْزَاءِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عُلْوَانَ عَنْ عَمْرِو بْنِ خَالِدٍ عَنْ زَيْدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيٍّ ع قَالَ: صَلَّى بِنَا رَسُولُ اللَّهِ ص الظُّهْرَ خَمْسَ رَكَعَاتٍ ثُمَّ انْفَتَلَ- فَقَالَ لَهُ بَعْضُ الْقَوْمِ يَا رَسُولَ اللَّهِ- هَلْ زِيدَ فِي الصَّلَاةِ شَيْ‌ءٌ- قَالَ وَ مَا ذَاكَ قَالَ صَلَّيْتَ بِنَا خَمْسَ رَكَعَاتٍ- قَالَ فَاسْتَقْبَلَ الْقِبْلَةَ وَ كَبَّرَ وَ هُوَ جَالِسٌ- ثُمَّ سَجَدَ سَجْدَتَيْنِ لَيْسَ فِيهِمَا قِرَاءَةٌ وَ لَا رُكُوعٌ- ثُمَّ سَلَّمَ وَ كَانَ يَقُولُ هُمَا الْمُرْغِمَتَانِ.[[6]](#footnote-6)

روایت می گوید حضرت سهو کرد و به جای چهار رکعت، پنج رکعت خواند و وقتی أصحاب تذکّر دادند، حضرت دو سجده سهو رو به قبله انجام داد.

**مناقشه دلالی**

**أصل جواب این است که**: بر فرض پیامبر صلی الله علیه و آله این کار را انجام داد دلیل بر وجوب نمی شود و تنها استحباب استقبال قبله ثابت می شود و ما در استحباب بحث نداریم و فعل پیامبر دلیل بر وجوب نیست.

**و أصل روایت هم، سهو النبی را بیان می کند که قول شاذّ است** و شیخ صدوق قائل بود و می خواست کتابی در اثبات سهو النبی و الأئمه بنویسد که عمر او کفاف این کار را نداد. بعد از ایشان صاحب وسائل می خواهد این مطلب را اثبات کند و در بین معاصرین صاحب قاموس الرجال رساله ای خطی راجع به همین موضوع دارد؛ ولی خلاف قول معظم امامیه است و در روایت داریم «وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بُكَيْرٍ عَنْ زُرَارَةَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ ع هَلْ سَجَدَ رَسُولُ اللَّهِ ص سَجْدَتَيِ السَّهْوِ قَطُّ- قَالَ لَا وَ لَا يَسْجُدُهُمَا فَقِيهٌ.».

**بر فرض بگوییم ممکن است پیامبر سهو کند**: ولی این که نماز پنج رکعت باشد و صحیح باشد و تنها سجده سهو داشته باشد را کسی قائل نشده است و به قول شیخ طوسی این قول قطعاً شاذّ است.

تذکّر: ظاهر روایت این است که پیامبر از قول بعض، علم به خواندن پنج رکعت پیدا کردند نه این که صرفاً شک کنند زیرا اگر پیامبر، بعد از این که عده ای این خبر را به پیامبر می دادند، شک می کرد که شاید پنج رکعت نماز خوانده است در روایت نقل می شد و نیز حضرت علی علیه السلام که ناقل روایت است تعبیر جزمی «صلی بنا رسول الله خمس رکعات» می کند. و اگر از قول بعض علم حاصل نمی شد و تنها شک می کرد دیگر نیازی به سجده سهو هم نمی بود.

**بررسی سندی**

**مرحوم خویی فرموده اند:** این روایت ضعیف السند است.

و لکن ما متوجّه نشدیم که چرا ضعیف السند است؛

سند مشکلی ندارد: «مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ سَعْدٍ عَنْ أَبِي الْجَوْزَاءِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عُلْوَانَ عَنْ عَمْرِو بْنِ خَالِدٍ عَنْ زَيْدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيٍّ ع قَالَ» شیخ طوسی در تهذیب به اسنادش از سعد بن عبدالله نقل می‌‌کند و اسناد شیخ به سعد بن عبدالله صحیح است و سعد بن عبدالله هم که از اجلاء است. ابی الجوزاء منبه بن عبدالله تمیمی است که نجاشی می‌‌گوید «صحیح الحدیث»، صحیح الحدیث یعنی ثقة. عمرو بن خالد حناط را نجاشی توثیق کرده است.

***وجه أول و دوم در توثیق حسین بن علوان***

فقط شبهه‌ای که می‌‌ماند این است که حسین بن علوان توثیق خاص ندارد. ولی خود مرحوم خویی در رجال حسین بن علوان را توثیق کرده اند؛ فرموده اند که حسین بن علوان در رجال تفسیر قمی آمده است و اول دیباجه تفسیر قمی می‌‌گوید من از ثقات نقل می‌‌کنم و هم این‌که نجاشی در ترجمه حسین بن علوان دارد: الحسین بن علوان کوفی عامی و اخوه الحسن یکنی ابامحمد ثقة رویا عن ابی عبدالله. آقای خوئی می‌‌گوید این ثقة ظاهرش این است که به مترجم‌له بر می‌‌گردد نه به حسن بن علوان که برادر حسین است و حسن بن علوان استطرادا ذکر شد، مترجم‌له حسین بن علوان است.

**مناقشه**

**البته ما این دو وجه را که ایشان ذکر کرده قبول نداریم:**

**أمّا تفسیر قمی**؛ مشتمل بر جمعی از کتب تفسیر است که شخص دیگری غیر از علی بن ابراهیم قمی جمع کرده، از جمله تفسیر قمی هم در آن وجود دارد و دیباجه هم معلوم نیست از علی بن ابراهیم قمی باشد، بلکه ‌از همان مؤلف این کتاب است که مجهول الحال است. آنجا دارد که، ما وصل الینا من ثقات اصحابنا را ما نقل می‌‌کنیم.

**راجع به کلام نجاشی**: ما رجال نجاشی را بررسی کردیم، ‌این برای ما ثابت نشده که نجاشی در مشابه این موارد ثقة که می‌‌گوید به مترجم‌له بخورد.

این‌که آقای خوئی می‌‌گویند ظاهر این است که آنی که محور کلام است که حسین بن علوان است او توثیق بشود، نه، اتفاقا اگر بناء بود او را توثیق کند قبل از «و اخوه الحسن یکنی ابامحمد» ثقة را می‌‌گفت، یعنی اولش می‌‌گفت ثقة و بعد می گفت «اخوه الحسن»، کما این‌که در کثیری از موارد همین کار را کرده است؛ اگر می‌‌خواهد مترجم‌له را توثیق کند اول توثیق می‌‌کند بعد می‌‌گوید برادرش فلانی است؛

مثلا گفته ابراهیم بن ابی بکر ثقة و اخوه اسماعیل، ابراهیم بن محمد الاشعری قمی ثقة و اخوه الفضل، حسن بن حمزة لیثی کوفی ثقة و خاله محمد بن ابی حمزة، داوود بن اسد ثقة ثقة و ابوه اسد.

در بعضی از این موارد فقط خواسته خود مترجم‌له را توثیق کند بعد می‌‌گوید برادرش کیست، خالش کیست، او را توثیق نمی‌کند ولی چون می‌‌خواسته مترجم‌له را توثیق کند اولش گفته ثقة بعد گفته اخوه فلان، خاله فلان، اما در حسین بن علوان این کار را نکرد. این نشان می‌‌دهد که نمی‌خواهد حسین بن علوان را توثیق کند، می‌‌خواهد برادرش را توثیق کند.

***وجه سوم در توثیق حسین بن علوان***

و لکن ما با توجه به این‌که علامه در رجالش از ابن عقدة نقل کرده است که: «حسن بن علوان کان اوثق من اخیه و احمد عند اصحابنا»؛ ظهور عرفی این‌که بگویند «حسن بن علوان از برادرش حسین بن علوان أوثق بود» در حالی که خود حسن بن علوان واقعا ثقه بوده، ظهور عرفیش این است که می‌‌خواهد برادرش حسین را هم توثیق کند. این عرفی نیست که بگوییم افعل التفضیل در وجود مبدأ ظهور ندارد. گاهی آدم دو تا بچه کوچک شیرخوار می‌‌گوید کدام‌ها بزرگتر است؟ بله، اینجا قرینه است. ولی اینجا فرض این است که حسن بن علوان ثقه است، بعد می‌‌گوید و حسن بن علوان اوثق از او بود، ظاهرش این است که حسین بن علوان را هم توثیق می‌‌کند.

***شرطیّت استقبال قبله در نمازهای مستحبّ بالعرض***

صاحب عروه می فرماید: در نماز های مستحب بالعرض استقبال شرط است مثل این که بعد از خواندن نماز فرادا، نماز جماعت اقامه شد و می خواهی نماز را با جماعت اعاده کنی. و این مطلب معلوم است.

***شرطیّت استقبال قبله در نماز آیات***

«لا صلاة إلّا إلی القبله» شامل نماز آیات می شود و لذا استقبال قبله در نماز آیات شرط است.

***شرطیّت استقبال قبله در نماز اموات***

و أمّا آیا در نماز اموات استقبال قبله شرط است یا نه؟ در جلسه بعد بررسی خواهیم کرد.

1. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج8، ص268، أبواب قضاء الصلوات، باب6، ح1، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/8/268/فاتته) [↑](#footnote-ref-1)
2. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج10، ص237، أبواب من یصح منه الصوم، باب30، ح1، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/10/237/یجنب) [↑](#footnote-ref-2)
3. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج8، ص219، أبواب الخلل الواقع فی الصلاة، باب11، ح1، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/8/219/سجدات) [↑](#footnote-ref-3)
4. [العروة الوثقی، السید محمد کاظم الطباطبائی الیزدی، ج2، ص49.](http://lib.eshia.ir/10028/2/49/اسم) [↑](#footnote-ref-4)
5. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج8، ص224، أبواب الخلل الواقع فی الصلاة، باب14، ح2، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/8/224/المرغمتین) [↑](#footnote-ref-5)
6. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج8، ص233، أبواب الخلل الواقع فی الصلاة، باب19، ح9، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/8/233/المرغمتان) [↑](#footnote-ref-6)